



Journal of Islamic Propagation

Volume 4 ● No 10 ● Autumn & Winter 2024

An Examination of the Role of Islamic Seminaries in the Religious Propagation of the Qajar Era with an Emphasis on Tehran

Hamed Ghara'ati*

Abstract

Islamic Seminaries, along with their inherent mission, have not been limited to education or research in the subject of religious education and have used a series of tools and measures in the field of propagating religious doctrines and teachings. This issue is of great importance, especially in the Qajar era, when Iranian society experienced a tense period in the field of religious education due to social, cultural and political developments. This study tries to examine the role of seminaries in the propagation of religious education in the geographical area of Tehran by relying on historical sources, including biographies, travelogues, and general and textual chronicles, using a descriptive-analytical method. Propagation of religious teachings in Islamic seminaries of Tehran during the Qajar era included the following features. Conforming to the needs and challenges of the day, independence and non-dependence, direct communication and elimination of intermediaries, providing authentic content and monitoring other propagation content, protecting knowledge levels, avoiding acquisition or profaneness in religious propagation and using environmental propagation in the process of propagation.

Keywords

Islamic propagation, Islamic seminaries, Tehran in Qajar era, school, mosque, Rozeh Khani.

* Ph.D. in Shia studies and assistant professor in the history department of Baqir al-Olum University:

gharaati_1359@yahoo.com.

بررسی نقش حوزه‌های علمیه در تبلیغات دینی عصر قاجار؛ با تأکید بر تهران

حامد قراآئی*

چکیده

حوزه‌های علمیه، از دیرباز متناسب با رسالت ذاتی خود، تنها به آموزش یا پژوهش در موضوع معارف دینی محدود نمانده و مجموعه‌ای از اقدامات، تدابیر و ابزارها را در حوزه تبلیغ آموزه‌ها و تعالیم دینی به کار بسته‌اند. این موضوع، به‌ویژه در عصر قاجار که جامعه ایران متأثر از تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، دوران پُرتنش را در عرصه معارف دینی تجربه نموده بود، از اهمیت بسزایی برخوردار است. این تحقیق، تلاش دارد با تکیه بر منابع تاریخی، از جمله زندگی‌نوشته‌ها، سفرنامه‌ها و تواریخ عمومی و متنی بر روش توصیفی - تحلیلی، نقش حوزه‌های علمیه در تبلیغ معارف دینی را در محدوده جغرافیایی تهران مورد بررسی قرار دهد. تبلیغ آموزه‌های دینی و مذهبی در حوزه‌های علمیه تهران در عصر قاجار، مشتمل بر ویژگی‌هایی چون: منطبق بودن بر نیازها و چالش‌های روز، استقلال و عدم وابستگی، ارتباط مستقیم و حذف واسطه‌ها، ارائه محتواهای معتبر و نظارت بر سایر محتواهای تبلیغی، صیانت از مراتب معرفتی، پرهیز از اکتساب یا تفنن در تبلیغ دینی و استفاده از تبلیغ محیطی در فرایند تبلیغ بوده است.

کلیدواژه‌گان: تبلیغات اسلامی، حوزه‌های علمیه، تهران عصر قاجار، مسجد مدرسه، روضه‌خوانی^۱

* دکتری شیعه‌شناسی و استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام): gharaati_1359@yahoo.com

۱. این مقاله با حمایت دبیرخانه همایش بین‌المللی یکصدمین سالگشت بازتاسیس حوزه علمیه قم و نکوداشت آیت‌الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری (علیه السلام) تالیف شده است.

مقدمه

حوزه‌های علمیه، از قدیمی‌ترین مراکز علمی، دینی و فرهنگی در سرزمین‌های اسلامی می‌باشند. این مراکز گرچه به دلیل گسترش دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز جوامع و تمرکز بر علوم مرتبط با معارف دینی در کنار نهادهای علمی‌ای چون: نظامیه‌ها، دارالعلوم‌ها، بیت‌الحکمه‌ها و رباط قرار می‌گرفتند، اما توانسته بودند با ارتقا و توسعه در دانش‌های مورد نیاز دینی و حتی مهارت‌های مرتبط، مناسبات خود با جوامع پیرامونی را حفظ نمایند. حوزه‌های علمیه، به‌ویژه در تاریخ تشیع، رابطه‌ای دوسویه با مخاطبان خود داشته‌اند؛ به نحوی که هم مؤثر بر مخاطبان و هم متأثر از مخاطبان خود بوده‌اند. حوزه‌های علمیه، گرچه بیگانه از دولت‌ها و حکمرانان نبودند، اما رابطه‌ای لزوماً مثبت یا مستمر با دولت‌ها نداشته و حتی در موارد متعددی، پناهگاه منتقدان و مخالفان بوده و یا جریان‌های اجتماعی و سیاسی منتقد، مبانی اندیشه‌ای خود را از حوزه‌های علمیه فرا می‌گرفتند.

شناخت و مصداق‌یابی سه مفهوم: پژوهش، آموزش و تبلیغ، گرچه در عالم نظر و تعاریف، فاقد ابهام می‌باشد، اما در عرصه عمل و واقع، دارای همپوشانی‌ها و خلط‌های محتوایی و روشی می‌باشند. تأکید بر یکی و غفلت از دیگری یا ادغام هر یک از این مفاهیم، به‌ویژه در حوزه دین و معنویت، نقش مستقیم و مؤثری بر سطح معنویت و دینداری جامعه داشته و پیامد لغزش‌های احتمالی بسیار عمیق و چالش‌آفرین خواهد بود.

این تحقیق، تلاش دارد تا مبتنی بر منابع اصلی، نقش حوزه‌های علمیه در تبلیغ دینی عصر قاجار را در قلمروی جغرافیایی تهران به بحث نشیند. با توجه به مقدمه پیش‌گفته، گرچه نقش پژوهشی و آموزشی حوزه‌های علمیه بسیار مهم، با سابقه و منحصر به فرد است، اما این تحقیق، با تمرکز بر نقش تبلیغی، از دو نقش دیگر (پژوهشی و آموزشی)، فقط در ارتباط با عرصه تبلیغ سخن به میان خواهد آورد.

مراد از حوزه‌های علمیه در این تحقیق، مدارس است که تحت اشراف عالمان و روحانیون دینی به تربیت طلاب و کارشناسان دینی می‌پرداخته‌اند و در این مقاله، از آنها به مدارس علمیه یا مسجد - مدرسه نیز یاد خواهد شد. همچنین، مراد از نقش‌آفرینی در تبلیغ دینی، هرگونه اقدام، تدبیر و سیاست‌گذاری در حوزه ترویج، تفهیم، توسعه و تعمیق باورهای دینی در سطح جامعه

می‌باشد. شایان ذکر است، با توجه به کارکرد آموزشی- فرهنگی مساجد در قرون نخستین، شاید بتوان حوزه‌ها و مدارس علمیه را نسخه‌ای تکامل‌یافته از یکی از نقش‌های مساجد دانست؛ چه اینکه به باور برخی، کارکرد مساجد به امور عبادی منحصر نبوده و ناظر به نظام اجتماعی مطلوب از منظر اسلام بوده است (الویری، ۱۳۸۸، ص ۹۷). کارکرد آموزشی و فرهنگی مساجد، در مقاطعی چنان پُررنگ بود که مساجدی چون الأزهر مصر یا مسجد جامع شهر فاس در کشور مغرب، بیش از آنکه به عنوان عبادتگاه شناخته شوند، به عنوان یکی از معتبرترین مدارس علمی شناخته می‌شدند.

قاجاریه، سلسله‌ای از حکمرانان می‌باشند که با تاج‌گذاری آقا محمدخان قاجار در سال ۱۲۱۰ قمری پایه‌های حکومت خود را در ایران مستقر ساختند و تا ربیع‌الثانی ۱۳۴۴ قمری بر ایران حکومت کردند. نسب ایشان، به قاجارنویان از رؤسای ایل جلایر ترکمان مغول می‌رسد که در عهد غازان خان (۶۹۴-۷۰۳ق) می‌زیسته است. عصر قاجار، به دلیل ظهور تحولاتی چون: تقابل تفکر سنتی و تجدد در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، ظهور اندیشه‌های التقاطی در حوزه دینداری، قرابت زمانی و استمرار بسیاری از تحولات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی در عصر حاضر، به عنوان محدوده زمانی این تحقیق انتخاب شده است. همچنین، شهر تهران به دلیل تنها پایتخت ایران در دوره قاجار و مرکز اصلی بروز و ظهور تحولات فرهنگی و دینی در آن دوره، به عنوان محدوده جغرافیایی این پژوهش تعیین شده است.

این پژوهش، با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی- تحلیلی، درصدد پاسخ به این پرسش است که «نقش تبلیغی حوزه‌های علمیه تهران در دوره قاجار دارای چه ویژگی‌ها و اوصافی بوده است؟» برخی از مهم‌ترین منابع این پژوهش، تواریخ عمومی و محلی، سفرنامه‌ها، خاطرات، زندگی‌نامه‌ها، تاریخ معاصر و تاریخ اجتماعی تهران خواهد بود. با وجود اهمیت، اما این موضوع کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. برخی از آثاری را که به صورت ضمنی به لایه‌هایی از این موضوع پرداخته‌اند، می‌توان چنین برشمرد:

۱. توصیف تاریخی برخی از حوزه‌های علمیه تهران

* «مسجد - مدرسه‌های تهران» (سلطان‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۵۳): این اثر پس از ارائه گزارش تاریخی در خصوص نحوه شکل‌گیری مسجد - مدرسه‌ها در قرون میانی تاریخ اسلام، به معرفی

برخی از مسجد - مدرسه‌های تهران پرداخته است. در این پژوهش، مؤلف تنها به ویژگی‌های ساختمانی و ارائه پلان‌های معماری این دسته از حوزه‌های علمیه پرداخته است.

* «مسجد و مدرسه معیرالممالک» (ضرغانی، ۱۳۸۵، ص ۵۹)؛ «مسجد مدرسه فیلسوف‌الدوله» (بیگلریگی قاجاریه، ۱۳۸۶، ص ۱۱۹)؛ «مسجد مدرسه معمارباشی تهران» (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۱، ص ۲۵). این مقالات نیز به ارائه پیشینه تاریخی تأسیس، موقعیت جغرافیایی و برخی از ویژگی‌های معماری این حوزه‌های علمیه پرداخته‌اند.

۲. اهمیت معماری برخی حوزه‌های علمیه تهران

دو مقاله: «گونه‌شناسی مسجد - مدرسه در معماری اسلامی ایران» (هوشیاری، ۱۳۹۲، ص ۳۷) و «معماری و تزیینات مسجد - مدرسه سپهسالار قدیم» (نیستانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷)، از جمله آثاری هستند که ویژگی‌های هنری و معماری مسجد - مدرسه‌های تهران را به لحاظ معماری بررسی کرده‌اند.

۳. بررسی پیدایش یا فعالیت حوزه‌های علمیه بدون در نظر گرفتن محدوده زمانی و مکانی این تحقیق

- مقاله: «بررسی تاریخی کارکرد ارتباطی هنر در اماکن مذهبی عصر قاجار» (الویری و قرائتی، ۱۳۹۲، ش ۱۷)؛ «نقش اماکن مذهبی تهران در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری در دوره قاجار» (قزاقی، ۱۳۹۲، ش ۴۱)؛ «پیشینه دانش‌های اسلامی در حوزه‌های علمیه» (سید کباری، ۱۳۸۲، ش ۳۸)؛ «چگونگی استقرار مدارس علمیه در شهرهای تاریخی دوره اسلامی» (سلطان‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، ش ۲).

- پایان‌نامه: «نقش حوزه‌های علمیه اصفهان در تحول علوم در عصر صفوی» (کاظم‌زاده، ۱۳۹۲)؛ «مناسبات دربار قاجار با حوزه علمیه نجف» (اسماعیلی، ۱۳۹۰)؛ «نقش حوزه سامراء در تحولات سیاسی ایران عصر قاجار» (شادپور، ۱۳۹۸)؛ «جریان‌های فکری حوزه علمیه اصفهان؛ از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار» (زینلی، ۱۳۹۹)؛ «مواجهه روحانیت و ملیت؛ مواجهه علمای شیعه با مفهوم و پدیده ملیت از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی» (کریمی، ۱۴۰۰).

- کتاب: عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علماء و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان؛ تحقیقی و تاریخی (سید حسین معتمدی کاشانی، ۱۳۷۹).

همان‌طورکه از عناوین این آثار مشهود است، با وجود اهمیت و ارزشمندی، اما در هیچ‌کدام از این آثار، نقش تبلیغی حوزه‌های علمیه مورد توجه قرار نگرفته است. در این میان، نباید از اثر متفاوت محسن حسام مظاهری با عنوان «رسانه شیعه - جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران» غفلت نمود؛ چه اینکه در بخش‌هایی از این کتاب و به صورت ضمنی، نقش روحانیت و به تبع آن حوزه‌های علمیه در حوزه تبلیغ دینی مورد توجه قرار گرفته است.

تهران پیش از انتخاب شدن به عنوان پایتخت از سوی سلاطین قاجار، فاقد هویت یا شهرت قابل توجهی بوده است؛ هرچند گزارش‌هایی مبنی بر ساخته شدن دولتیخانه‌ای از سوی سلاطین صفوی در آن به چشم می‌خورد. چه اینکه سلاطین صفوی به دلیل انتساب خود به حمزه‌بن موسی علیه السلام، علاقه وافری به زیارت مرقد وی در شهر ری داشته و برای اقامت، یکی از روستاهای پیرامون ری به نام تهران را برای ساخت دولتیخانه برگزیده‌اند. بعدها این دولتیخانه توسط کریم‌خان زند نیز مورد توجه قرار گرفت. این سابقه، باعث شده است که نتوان بناهای متعدد و قابل توجهی را مربوط به گذشته پیش از صفویه در تهران مشاهده نمود. در این میان، چند حوزه علمیه به عنوان میراث فرهنگی و تمدنی این شهر خودنمایی می‌کند؛ چه اینکه مسجد - مدرسه حکیم‌هاشم (مهدعلیا) و مسجد - مدرسه چال، از میراث عهد صفوی می‌باشند که به یادگار مانده‌اند. با توجه به مباحث پیش‌گفته، نمی‌توان انتظار تاریخچه‌ای درخور از حوزه‌های علمیه پیش از عصر قاجار در تهران داشت.

حوزه‌های علمیه مشهور تهران در عصر قاجار را می‌توان چنین برشمرد:

ردیف	نام حوزه علمیه	ردیف	نام حوزه علمیه	ردیف	نام حوزه علمیه
۱	مسجد - مدرسه حکیم- هاشم	۱۱۰	حکیم‌باشی	۱۹	صنیعیه
۲	مسجد - مدرسه چال	۱۱۱	معیرالممالک	۲۰	خازن‌الملک
۳	مسجد - مدرسه‌های سپهسالار قدیم	۱۲	مشیرالسلطنه	۲۱	مهد علیا

ردیف	نام حوزه علمیه	ردیف	نام حوزه علمیه	ردیف	نام حوزه علمیه
۴	سپهسالار جدید	۱۳	شیخ کاظمیه	۲۲	محمودیه
۵	حاج رجبعلی	۱۴	شاهزاده خانم	۲۳	منیریه
۶	رضا دروازه دولت	۱۵	چال حصار	۲۴	قلی خان
۷	سعدیه	۱۶	حاج شیخ‌هادی	۲۵	حکیم هاشم
۸	فتحیه	۱۷	قندی	۲۶	نیاکی
۹	شیخ العراقین	۱۸	خان مروی	۲۷	آغا بهران

(بهزادفر، ۱۳۸۶، ۱۸۸؛ ذاکرزاده، ۱۳۷۴، ۹۸ و ۶۲؛ مؤمنی، ۱۳۸۸، ۵۶ و ۵۵؛ حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۴۳، ۶۶، ۱۱۳، ۱۸۴ و ۲۸۶؛ سلیمی مؤید، ۱۳۸۱، ص ۹۱-۹۳؛ اعظام قدسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۶؛ سیفی فمی تفرشی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۹؛ شهیدی مازندرانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۶، ۳۶۶ و ۳۸۵)

این حوزه‌های علمیه، به علت وجود تعداد درخور توجهی از طلاب علوم دینی و حضور مؤثر در محله‌ها و بازار، ارتباط بی‌واسطه‌ای را بین حوزویان و عموم مردم به وجود می‌آوردند. این موضوع، مورد توجه بانیان قرار داشته و حتی در کتیبه‌های نقش بسته بر دیوارها مورد تصریح بوده-

اند؛ مانند آنچه در مدرسه کاظمیه به جای مانده است:

کاظم آن صدر پاک دین که نمود
مدرس و مسجدی بنا بنمود
در یکی درس و بحث و دانش دین
زین بنا چو نگذشت پنجه و هفت
... کرده بدزین سر او زین مسجد

چو به رویش در سعادت باز
آن سلیل جلیل میر حجاز
در یکی فکر و ذکر و راز و نیاز
صورتی نو گرفت بس ممتاز
باب علم و عمل به طهران باز

(حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۷۵)

سازوکارهای و نهادهای متولی تبلیغ دینی در عصر قاجار

به دلیل فقدان ساختارها و نهادهای منضبط فرهنگی در نظام سیاسی عصر قاجار، موضوع تبلیغ دینی و مذهبی به صورت سنتی و خارج از چارچوب‌های مدون اداری اداره می‌شده است. در

این دوره، متصدیان محافل و مجالس مذهبی بر اساس شناخت‌های عمومی خود، اقدام به دعوت از عالمان و مبلغان دینی می‌نموده‌اند؛ هرچند مدیران حوزه‌های علمیه، علمای مشهور، مراجع و بیوتات نیز در این خصوص، محلّ مراجعه و یا حداقل مشورت بوده‌اند. این مراکز، بدون آنکه مسئولیتی اداری یا حقوقی در خصوص اعزام یا معرفی عالم و مبلغ دینی داشته باشند، تلاش داشتند تا متناسب با مراسم، مخاطبان و ماهیت مجلس، روحانیونی را برای فعالیت‌های تبلیغی معرفی نمایند. البته از این موضوع نیز نباید غفلت نمود که در موارد متعددی نیز طلاب و مبلغان جوان و یا مبلغان باسابقه از سر اخلاص خود، به محلات و مجامع دینی و حتی روستاها مراجعه نموده و آمادگی خود را برای انجام فعالیت‌های تبلیغی اعلام می‌نمودند. امر تبلیغ، به دو صورت مناسبی و یا مستمر انجام می‌پذیرفته است. تبلیغ مناسبی که به صورت موقت و ناظر به یک مراسم و مناسبت خاص مذهبی صورت گرفته، از یک مجلس (مانند مجالس بزرگداشت اموات) تا سی مجلس (مانند ماه رمضان) برگزار می‌شده است. تبلیغ مناسبی، دارای مخاطبان و موضوعات تقریباً مشخصی در پیرامون آن مناسبت می‌بود. در مقابل، تبلیغ‌های مستمر قرار داشت که ناظر به ایام خاصی نبود و مبلغ در تمامی روزها به انجام فعالیت‌های تبلیغی، از جمله: اقامه نماز جماعت، بیان احکام، مجالس قرائت قرآن و موعظه می‌پرداخت.

عدم دخالت مستقیم دولتمردان در امر تبلیغ، موجب شده بود تا امر تبلیغ به صورت داوطلبانه و مردمی اداره و مدیریت شود؛ البته با وجود مردمی بودن، اما متولیان حوزه‌های علمیه و روحانیون بر اساس رسالت ذاتی خود، نقشی محوری در این خصوص داشتند. گفتنی است، با وجود فقدان دخالت مستقیم دولت در امر تبلیغ، دولتمردان با برگزاری مجالس مذهبی، سعی در همراه نشان دادن خود با این مجالس داشته و در موارد متعددی، شخص شاه، شاهزادگان، وزرا و دولتمردان، خود از بانیان برگزاری مجالس مذهبی می‌بودند؛ ضمن اینکه در موارد متعددی نیز خطبا، وعاظ یا امامان جماعت مساجد را به دلیل اعتراض به سیاست‌های دولت یا نقد دولت، مورد بازخواست، دستگیری یا تبعید قرار داده بودند. از جمله این موارد، می‌توان به: میرزا مسیح مجتهد تهرانی در عهد فتحعلی شاه، میرزای آشتیانی، میرزا محمد یزدی، مجتهد تبریزی و سید جمال واعظ اصفهانی در عهد ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه اشاره کرد. البته برخی از مبلغان دینی همچون شیخ هادی نجم‌آبادی به دور از نقدهای آشکار، به تربیت نخبگان

و فعالیت‌های اصلاحی در قامت امامت مسجد و برگزاری مجالس تفسیر قرآن می‌پرداختند؛ البته در مواردی نیز (همچون نجم‌آبادی) با برگزاری یا شرکت در مجلس ختم میرزا رضای کرمانی (قاتل ناصرالدین شاه)، به صراحت به انتقاد از دولتمردان می‌پرداختند.

به هر روی، به غیر از حوزه‌های علمیه و بیوت علما نمی‌توان به نهاد یا مرکزی برای معرفی یا اعزام مبلغ اشاره کرد. این دو مرکز نیز به دور از بروکراسی‌های اداری یا تنظیم قوانین و رویه‌ها، به امر تبلیغ اقدام می‌نمودند. از این رو، کمتر می‌توان به سند یا بیانیه‌ای ناظر به شرایط و ضوابط فعالیت‌های تبلیغی، دعوت از مبلغان، اعزام مبلغان یا نظارت بر فعالیت‌های ایشان دست یافت. کلیه مراحل تبلیغ، به صورت پیروی از سنت‌ها، توافق و محوریت احکام و الزامات فقهی و اخلاقی صورت می‌پذیرفت. البته سنت‌های رایجی چون نذورات یا موقوفات، به صورت ضمنی ساحت‌هایی از امر تبلیغ را روشن و قابل پیش‌بینی می‌نمود.

چالش‌ها و تحولات دینی و فرهنگی در عصر قاجار^۱

برای روشن شدن اهمیت نقش حوزه‌های علمیه در تبلیغ معارف دینی در عصر قاجار، شایسته است اجمالی از چالش‌های معرفتی، فرهنگی و اجتماعی عصر قاجار به صورت تیتروار ارائه گردد:

- رواج خارج از نظارت و کنترل آیین‌های دینی؛
- بروز خرافات، بدعت‌ها و اسطوره‌گرایی در عرصه دینداری عمومی؛
- درهم‌آمیختگی آموزه‌های صوفیانه با معارف شیعی؛
- فعالیت دگراندیشان دینی؛
- بروز و ظهور مکاتب و اندیشه‌های غربی از جمله فراماسونری؛
- ظهور ادیان جدیدی چون بابیت و بهائیت (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۸۹) و حتی بازیابی و فعالیت

۱. برای اطلاع بیشتر از اوضاع فرهنگی و مذهبی عصر قاجار، می‌توان به مقالات ذیل مراجعه کرد:

«سیر تحول روضه و روضه‌خوانی دوره قاجار» تألیف فاطمه بینشی فر؛ «نگاهی به نذورات مردم در دوره قاجار» نوشته رقیه ابراهیمی؛ «لوطی‌گری در عصر قاجار» به قلم نادره جلالی؛ «کلیمیان دوره قاجار؛ یک بررسی اجتماعی - اقتصادی» تألیف مظهر ادوای و دیگران.

فرقه‌های کهنی چون اسماعیلیان نزاری ایران (میرخواند، ۱۳۸۰، ج ۹، ص ۵۵۲)؛
 - فعالیت گسترده مبلغان مسیحی و مدارس اروپایی فرانسوی (کارلاسرنا، ۱۳۶۲، ص ۱۸۷)،
 انگلیسی و آمریکایی (بلوشر، ۱۳۶۹، ص ۱۹۳)؛
 - تلاش دولتمردان برای خنثا کردن معارف دینی از اندیشه‌های اصلاحی؛
 - ورود متولیان ناصالح به عرصه تبلیغ و ترویج معارف دینی.
 در چنین شرایطی، نه تنها دگراندیشانی چون سید علی محمد باب (م. ۱۲۶۶ق)، بلکه ارمنی تازه‌مسلمان شده‌ای همچون میرزا ملکم خان (م. ۱۳۲۶ق)^۱ یا مسیحی تازه‌مسلمان شده‌ای همچون هنری مارتین فرانسوی،^۲ به موج‌آفرینی در قلمروی فرهنگی و اجتماعی ایران می‌پرداختند؛ به طوری که برخی رساله‌های آنها در شهرهای مختلف توزیع می‌شد (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۴۵). این شرایط، هم باعث سطحی و آسیب‌پذیر شدن دینداری جامعه شده و هم نخبگان و طبقه تحصیل کرده را به دلیل رواج خرافات از معارف اسلامی مأیوس نموده و در مجموع، شرایط را برای دگرگونی شناختی و دینی جامعه فراهم می‌ساخت. استمرار این شرایط با وجود تلاش مجددانه برخی نخبگان اجتماعی، چندی بعد زمینه‌ساز ظهور دولتمردانی (پهلوی اول) با رویکرد حذف گفتمان دینی در تاریخ معاصر ایران گردید (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶۳).

امتیازات حوزه‌های علمیه در تبلیغ معارف و آموزه‌های دینی

برخلاف سایر مراکز و گروه‌هایی که در عرصه تبلیغ معارف اسلامی فعال هستند، حوزه‌های علمیه به دلیل پشتوانه پژوهشی و آموزشی‌ای که حتی صبغه اصلی آنها دانسته می‌شود، محتوا و

۱. ملقب به «ناظم الدوله» و روشنفکر، روزنامه‌نگار، دیپلمات و سیاستمدار دوره قاجار و بنیان‌گذار فراموشخانه در ایران است. او در سال ۱۲۴۹ق، در محله جلفای اصفهان در خانواده‌ای ارمنی و تازه‌مسلمان به دنیا آمد. وی برای تحصیل به فرانسه رفت و پس از بازگشت، به عرصه معادلات سیاسی وارد شد. انتشار روزنامه قانون و مشارکت در اجرای قرارداد رویترو و لاتاری، سفیر ایران در مصر و انگلستان و در نهایت، ایتالیا، از جمله مهم‌ترین اقدامات و سمت‌های سیاسی وی است.

۲. هنری مارتین که به پادری (padri) شهرت یافت، در ژوئن ۱۸۱۱ میلادی از هند به شیراز آمد و به‌خصوص در همین شهر، به مناظره پرداخت. «او به پذیرش اسلام تظاهر کرد و خود را یوسف نامید و در مدارس شیراز به تحصیل علوم دینی پرداخت» (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۴۵).

ابزارهای تبلیغی مورد استفاده در حوزه‌های علمیه و توسط حوزویان، به صورت نسبی دارای اعتبار و صلاحیت بیشتری بوده‌اند. حوزه‌های علمیه در این دوره به دلیل عدم ممنوعیت‌های اداری یا عرفی، محلّ حضور آزادانه عموم مردم بوده و حتی برخی از فعالیت‌های علمی و خدماتی حوزه‌ها مورد استفاده عموم مردم بود. خدماتی مانند: کتابخانه، آب‌انبار، ادوات پذیرایی، محلّ برگزاری مراسم‌های عمومی، مشاوره و حل و فصل مراعات فردی، خانوادگی و اجتماعی، به طور کلی، محلی برای ارتباط و همنشینی مستمر طلاب، اساتید و عامه مردم بودند.

مدارس علمیه به دلیل ارتباط بی‌واسطه مدیران، اساتید و طلاب با عامه مردم، هم تضمین‌کننده جنبه‌های علمی و استدلالی باورهای عمومی بود و هم بر کاربردی بودن و پویا بودن مباحث آموزشی در این حوزه‌ها تأکید می‌کرد؛ چه اینکه فاصله گرفتن مراکز علمی و آموزشی از مطالبات و واقعیت‌های جامعه، به رکود و انزوا و ناکارآمدی حوزه‌های علمیه می‌انجامید. حوزه‌های علمیه، به‌ویژه آن زمان که دارای مسجیدی بودند، به صورت پویا و فعال، پاسخگوی نیازها و مطالبات اجتماعی بوده، می‌توانستند برطرف‌کننده بسیاری از آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی جامعه باشند. شایان ذکر است که حوزه‌های علمیه به هر میزان که جامعه ایران شرایط جدید اجتماعی را تجربه می‌کرد، با ظهور رقبای جذاب و متعددی روبه‌رو می‌شد که تلاش داشتند در مدیریت فکری و دینی جامعه سهیم شده و یا حداقل نقش حوزه‌های علمیه را تعدیل نمایند.

در این دوره، آنچه نقش‌آفرینی حوزه‌های علمیه را در عرصه تبلیغ معارف دینی ضرورت می‌بخشید، متأثر بودن گفتمان دینی حاکم در جامعه از عواملی همچون: تصوف، سطحی‌نگری در باورهای دینی، ورود دولتمردان در عرصه تبلیغ معارف دینی، گرایش‌های فرقه‌ای برخی دولتمردان، حضور نمایندگان فرهنگی و مذهبی غرب، غرب‌گرایی طبقه تحصیل‌کرده و نیز فرقه‌ها و اندیشه‌های نوظهوری مانند: بابیت، بهائیت و فرماسونری بود. در چنین شرایطی، حوزه‌های علمیه در کنار مساجد متکی بر جایگاه و تعامل دیرینه با آحاد جامعه، بستر و ابزار لازم برای نیازسنجی، اولویت‌سنجی، پشتیبانی علمی و استدلالی و تربیت نیروی انسانی مناسب برای تبلیغ معارف دینی را در اختیار داشتند.

الف. تبلیغ دینی با تأکید بر تحقق عملی و امتداد اجتماعی آموزه‌ها

با وجود تعدد و تنوع اماکن و نهادهای تبلیغی، به نظر می‌رسد که حوزه‌های علمیه دارای تأثیری متفاوت در حوزه تبلیغ معارف دینی بوده‌اند؛ چه اینکه مراکزی چون تکایا و قالب‌هایی چون تعزیه و حضور پُرشور دسته‌های عزاداری در معابر و اماکن عمومی، گرچه ابعاد و ظرایف هنری، احساسی و شعاری مراسم و مواسم دینی و تبلیغی را تحت پوشش قرار داده و قاطبه جامعه را متوجه معارف و بیشتر شخصیت‌های دینی می‌نمودند، اما عمدتاً اهتمام خاصی به تبیین، تفسیر تعالیم دینی و ارائه راهکار برای اجرایی شدن و فعلیت یافتن معارف دینی نداشتند؛ مگر در مواردی که از اشراف عالم یا مجتهدی برخوردار بودند. در این میان، حوزه‌های دینی به دلیل توجه جامع به مفاهیم دینی و تلاش برای سوق دادن آحاد مردم به جامعه مطلوب دینی، دایره وسیعی از موضوعات و مسائل را دنبال می‌نمودند. این در حالی بود که دولتمردان، بیشتر ترجیح می‌دادند که تبلیغات دینی، در همان کلیشه‌های سمعی و بصری باقی مانده و تغییر و تحریکی را در اندیشه و عمل مخاطبان ایجاد ننماید. ایشان ترجیح می‌دادند که ابزار و محتوایی را تأیید و حمایت نمایند که اهمیتی برای ایجاد تحول در زیست اجتماعی و سیاسی جامعه نداشته باشند. ساخت تکایای متعدد توسط شاه، شاهزادگان، درباریان و اُمرا و یا حضور عالی‌ترین شخصیت‌های سیاسی در تکایا و اهدای هدیه به حضار یا برگزارکنندگان، تنها بخشی از حمایت‌های مادی و معنوی از این‌گونه محافل می‌باشد. در مقابل، حوزه‌های علمیه و حوزویان، آن‌گونه که در تحولات مهم و پُر مخاطره‌ای چون مبارزه با قراردادهای استعماری و از همه مهم‌تر، مشروطه‌خواهی، نقش بسیار متفاوتی از اماکن و جماعت‌های پیش‌گفته داشتند. در کشاکش فعالیت نهادهای تبلیغ دینی در عصر قاجار، گویا دو گفتمان جلب توجه می‌نماید؛ گفتمان نخست که مروج آن، تکیه دولت و سایر تکایای منسوب به درباریان بود و البته سایر تکایایی که الگو از تکیه دولت می‌گرفتند، به ترویج نگاه اسطوره‌ای، نمادین و آیینی به دین پرداخته و کمتر حاضر به تقابل با مظاهر ظلم و فساد بودند. گروه دیگر که گرچه ملتزم به جنبه‌های آیینی در تبلیغ دینی بودند، اما این جنبه‌ها را مقدمه برای زیست مؤمنانه می‌دیدند. مروری بر موضوعات مورد توجه حوزه‌ها و حوزویان در تبلیغات دینی و آنچه در تکایا می‌گذشت، خواهد توانست حکایتگر این دوگانگی باشد. برخی از سخنرانی‌های حوزویان در مجالس دینی عصر قاجار، عبارت‌اند از:

- تذکر به شاه در خصوص مسئولیت او در قبال آموزش، بهداشت و امنیت مردم (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۲۵۶ و ۲۵۷)؛
- مخالفت با سفرهای اروپایی شاه (الگار، ۱۳۵۹، ص ۳۲۰)؛
- تذکر به سیاسیون در باره تبعیض طبقاتی در تقسیم امکانات شهری (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۲۵۴)؛
- اعتراض به اعزام برخی افراد به اروپا (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۷۳ و ۷۷۴)؛
- ضرورت تحصیل جوانان و وظیفه دولت در این خصوص (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۲۵۶ و ۲۵۷)؛
- هشدار به خطر تجزیه طلبی در ایران (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۶۹۹۵)؛
- رسیدگی به بهداشت در سطح فردی و عمومی و یادآوری وظایف مجلس و دولت در این خصوص (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۲۵۴)؛
- حمایت از امیرکبیر (م ۱۲۶۷ ق) و مقابله با سربازان شورشی (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۸۴)؛
- تذکر به شاه در موضوع رفتارهای غیرمتعارف (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۷۷۳ و ۷۷۴)؛
- تأکید به نظارت بر جرایم و مطبوعات (عین السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۶۴۶۶)؛
- تلاش برای ایجاد امنیت و تأکید بر حفظ آن (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۷۷)؛
- حمایت از اصلاح‌گران و نخبگان سیاسی و اجتماعی دیگر شهرها (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۵۹ و ۲۶۰)؛
- فراخوان نیرو برای جنگ با روسیه (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴، ص ۴۴؛ سیف، ۱۳۸۲، ص ۸۵ و ۸۶)؛
- اعتراض به تعرض سفیر کبیر روس در تهران به زنان ارمنی که مسلمان شده و قصد اقامت در ایران را داشتند (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۴۹)؛
- مخالفت با قوانین اجحاف‌آمیز گمرکات (سپهر، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۹۵۹)؛
- ناکارآمدی ماموران گمرک و عمل نکردن به قوانین مصوب گمرک (اعظام قدسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۷)؛
- اعتراض به تعرفه جدید گمرکی که به نفع تجارت روسیه در ایران وضع شده بود (الگار، ۱۳۵۹، ص ۳۳۷)؛
- تبیین اهمیت تأسیس بانک ملی و فراخوان عمومی برای حمایت مالی از این بانک (یغمایی، ۲۵۳۷، ص ۴۵ و ۴۶)؛

- اعتراض به چگونگی توزیع ارزاق عمومی و مشکلات اقتصادی (شهیدی مازندرانی، ۱۳۸۳، ص ۵۹۲):

- مخالفت با دریافت وام از دولت‌های بیگانه (الگار، ۱۳۵۹، ص ۳۲۱).

به‌طورکلی، دیدگاه حوزه به رسالت تبلیغی و دینی خویش، باعث شده بود که برخی از دولتمردان، بخواهند از موضوع مراسم و آیین‌های مذهبی برای منحرف نمودن اذهان عمومی از وظایف و مسئولیت‌های خود استفاده نمایند. در مجموع و به صورت خلاصه، می‌توان نقش‌آفرینی حوزه و حوزویان در عرصه تبلیغ معارف دینی را چنین تبیین نمود:

ب. مرتبط بودن محتوای تبلیغی با نیازهای روز

در عهد قاجار، بیشتر حوزه‌های علمیه تهران، یا در کنار مساجد مشهور ساخته شده بودند و یا به صورت مسجد - مدرسه به فعالیت می‌پرداختند (ذاکرزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۳۷). برخی دیگر نیز به دلیل واقع شدن در بازارها، گذرها و کانون‌های جمعیتی (نقشه ضمیمه)، در طول سال با آحاد جامعه مرتبط بوده و به نیازهای واقعی‌شان واقف بودند. این شرایط باعث شده بود از طرفی، اساتید و دانش‌آموختگان حوزه ارتباطی زیستی و غیربرنامه‌ای با مردم داشته باشند و از طرف دیگر، مباحث علمی، به مباحث صرفاً نظری یا تقنین‌های علمی منحصر نباشند. این ارتباط زمانی، تأثیری دوچندان می‌یافت؛ آنگاه که حوزه‌های علمیه زیر نظر و اشراف عالمانی قرار داشتند که عمدتاً امامت مسجدی را نیز بر عهده داشته (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۷، ۲۲۴ و ۲۵۰) و هر روز حداقل سه مرتبه با اقشار و اصناف مختلفی از مردم سروکار داشته و مردم پاسخ سؤالات فردی، خانوادگی و اجتماعی خود را از آنان مطالبه می‌نمودند. این امتیاز، در کانون توجه بانیان و واقفان برخی از حوزه‌های علمیه نیز بود؛ به طوری که از شرایط مدیریت و امامت برخی از مسجد - مدرسه‌ها مانند حوزه خان مروی، این بود که آن شخص، مجتهدی جامع‌الشرائط باشد (همان، ص ۶۲).

ج. توسعه ابزارهای تبلیغی

محدود کردن محتوای تبلیغی در کلیشه‌های شعر و منبر و محدود ماندن طرح و بسط تعالیم دینی در ظرف‌های زمانی و مکانی محدود و حواشی و هزینه‌های پیدا و پنهان برپایی مجالس

مذهبی و در پایان، مهیا نبودن بستر مناسب برای طرح مسائل شخصی و یا ارائه و طرح راهکارهای اختصاصی برای افراد، از آسیب‌های تبلیغ در قالب‌های مرسوم بوده و هست. این در حالی بود که به دلیل احاطه آموزه‌ها و احکام اسلامی بر تمامی شئون زندگی، افراد گاه و بیگاه نیازمند بهره‌مندی از معارف و ارشادات دینی می‌بودند. حوزه‌های علمیه در عصر قاجار، به دلیل بافت و ساختار عرفی و غیرانتفاعی، دارای تعامل بی‌تکلفی با جامعه پیرامونی خود بودند. طلاب و حوزویان در اکثر مجالس شادی و عزای ساکنان پیرامون حوزه دعوت شده و یا از هدایا و اطعام‌ها بهره‌مند می‌شدند. مردم محلات پیرامون حوزه‌های علمیه تهران، نه تنها برای استفاده از کتابخانه یا برنامه‌های مذهبی، بلکه حتی برای استراحت و تفریح، از حیاط و فضاهای نسبتاً پُرطراوت حوزه‌های علمیه بهره‌برده و با طلاب و اساتید حوزه نشست و برخاست داشتند. این ارتباط، باعث می‌شد فراگیری مردم از حوزویان، به مراسم و مواسم دینی محدود نباشد؛ بلکه در ضمن معاشرت، بسیاری از مسائل و مشکلات شخصی افراد مطرح شده و راهکار یا توصیه دینی ارائه گردد. این در حالی بود که سبک زندگی مادی و معنوی طلاب و اساتید حوزه، به صورت غیرارادی، الگویی برای مردم بود؛ الگویی که نه در قالب‌های دستوری یا نصیحت‌آمیز، بلکه در اثر الفت و ممارست شکل گرفته و نقش‌آفرینی می‌نمود.

تعامل و یا همزیستی طلاب و مردم در بستر حوزه‌های علمیه، نه یک امر عارضی و حاشیه‌ای، بلکه از کارکردها و رسالت‌های اصلی حوزه‌های علمیه دانسته می‌شد؛ چراکه در اکثر مشاهد و مراقب بزرگان دینی، عالمان و حوزویان حضور داشته و حتی بیشتر حوزه‌های تهران به صورت مسجد - مدرسه ساخته شده بودند. مسجد - مدرسه‌ها، نه مساجدی بودند که در آنها تنها به امور عبادی پرداخته شود و نه مدارسی که در آنها فقط مباحث نظری و علمی طرح شود؛ بلکه مساجدی بودند که با بهره‌مندی از فضایی آموزشی و علمی و ناظر به اوضاع واقعی جامعه، به اصلاح و تقویت آموزه‌های دینی در عرصه اجتماعی می‌پرداختند. برخی از این حوزه‌ها، گنجایش اسکان و تحصیل دویست طلبه را داشتند (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۴۵). در برخی از این اماکن، مانند مسجد - مدرسه کاظمیه، مسجد و مدرسه، دو بنای مجزا داشتند و با راهرویی به هم متصل می‌شدند و برخی مانند مسجد - مدرسه سپهسالار قدیم (شهید بهشتی)، مسجد و مدرسه علمیه، ساختمانی تلفیقی و حیاطی مشترک داشتند (همان، ص ۷۰-۷۵).

شرایط فراخ ارتباطی و تسهیل و تنوع ابزارهای تبلیغی، باعث شده بود که مردم خود را معذب در یک فضای علمی یا آموزشی ندیده و در هر مناسبتی چون: آیین‌های ملی (ذاکرتزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۰۷)، بازار رمضان (شهری، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۳۰۶؛ مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۸۵) و سایر تجمعات اجتماعی یا سیاسی مانند تحصن‌ها (اعظام قدسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۵۴)، در حوزه‌های علمیه حضور یابند؛ چه اینکه خاستگاه، اهداف و عملکرد برخی از مراکز تبلیغی، به صورت موسمی و موقت بوده و از کلّ ایام سال، تنها در مناسبت‌های خاصی قادر به فعالیت تبلیغی بودند.^۱ این در حالی بود که حوزه‌های علمیه در تمامی ایام سال دایر بودند و برخی از حوزویان، علاوه بر مدرسه، در مساجد حضوری مستمر داشته، حتی در مواردی، یکی از حجره‌های مسجد برای اقامت امام در نظر گرفته می‌شد تا مردم در غیرواقات نماز نیز بتوانند با وی ملاقات نمایند (سلیمی موید، ۱۳۸۱، ص ۸۵).

مجاز بودن مردم به شرکت در جلسات دروس علوم دینی، نه تنها به ارتقای آگاهی‌های دینی مردم می‌انجامید، بلکه با طرح سؤالاتی از سوی این دسته از شرکت‌کنندگان، محتوای جلسات و مباحث علوم دینی نیز کاربردی‌تر و عینی‌تر می‌شد.

برگزاری مراسم در اعیاد، موالید و وفیات و سایر مناسبت‌های دینی، فرصت‌های بود که عالمان دینی از آن برای تبلیغ و تقویت معارف دینی استفاده می‌نمودند. از مصادیق این اهتمام حوزویان، تلاش مجدانه حاج سید علی طهرانی، از سلسله سادات اخوی تهران، در برگزاری جشن میلاد امام عصر علیه السلام در تهران عصر قاجار می‌باشد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۲۷۲)؛ موضوعی که می‌توانست عاملی در مواجهه با سلسله ادعاهای دروغین مهدویت در آن دوره باشد.

مناظره، از دیگر ابزارهای تبلیغی در صیانت از آموزه‌ها و معارف دینی و مبارزه با انحرافات و لغزش‌ها بود. عالمان دینی در عصر قاجار، در موارد متعددی، از این روش در تبلیغ معارف دینی استفاده نمودند؛ از جمله می‌توان به مناظره عالمان شیراز با سید علی محمد باب در مسجد وکیل

۱. «این تکیه‌ها، اگر سر راه نبود، سرتاسر سال خالی افتاده و زیالهدان اهل محل بود یا بقال‌های گذر در غرفه‌های آن، پیاز خشک می‌کردند و اتاق‌های آن را انبار خواربارهای فروشی خود قرار می‌دادند» (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۴).

و مسجد شاه اصفهان اشاره کرد (الگار، ۱۳۵۹، ص ۱۹۲ و ۲۰۰). گرچه در تهران به گزارش‌های قابل توجهی برنمی‌خوریم، اما سیاحان اروپایی امکان طرح سؤال در باره آموزه‌ها و مفاهیم اسلامی در مساجد و حوزه‌های علمیه تهران را از امتیازات این شهر، در مقایسه با سایر پایتخت‌های اسلامی، به‌ویژه استانبول که پایتخت امپراطوری عثمانی بود، دانسته‌اند (اولیویه، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۲). البته نباید فراموش کرد که حوزه‌های علمیه به دلیل دیدگاه حکمرانان و برخی از شأنیت‌های دینی و عرفی، قادر به استفاده از تمامی ابزارهای تبلیغی همچون نمایش‌های مذهبی نبودند.

د. استقلال و عدم وابستگی حوزه‌ها

اعتماد و استقلال، یکی از شرایط مهم در تأثیرپذیری مخاطبان، از نهادهای دینی و ابزارهای تبلیغی می‌باشد. در این بین، حوزه‌های علمیه عصر قاجار به دلیل تأکید بر مصالح عمومی و عدم وابستگی به احزاب و نظام‌های سیاسی، بیش از سایرین مورد توجه مردم بوده‌اند؛ چه اینکه با وجود حضور برخی عالمان و حوزویان در مراسم‌های رسمی و دربار، در اکثر قریب به اتفاق موارد، حوزه‌ها و حوزویان، حامی و پناهگاه منتقدان و مطالبه‌گران بوده‌اند؛ چه اینکه حوزه‌ها، حتی در مواردی که توسط دولتمردان ساخته شده بودند، در تقابل ظالم و مظلوم، به حمایت از مظلومان پرداخته‌اند. از مصادیق بارز این موضوع در عصر قاجار را می‌توان مسجد جامع تهران، مسجد - مدرسه سپهسالار و یا حوزه علمیه خان مروی دانست که محلّ حمایت، اجتماع و تحصن معترضان در تحولات خطیر عصر قاجار همچون مشروطه‌خواهی بوده‌اند. شاید به همین دلیل بوده است که دولتمردان ترجیح می‌دادند تبلیغ دینی به صورت کامل در اختیار حوزه و حوزویان قرار نگرفته و هرازچندگاهی نهادهای موازی حوزه، مورد لطف و توجه دولتمردان قرار گیرند؛ به عنوان نمونه، به صلاحدید دولتمردان، برنامه‌های تکیه دولت با شلیک توپ، به اطلاع تمامی سکنه تهران می‌رسید (رونه دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۱۹۱) و یا تکیه دولت با سخاوتمندی ناصرالدین شاه، دارای بنایی پنج طبقه بوده و بیش از پنج هزار نفر گنجایش داشت و هزینه‌های سالانه آن را در حدود ۳۰ هزار تومان تخمین زده بودند (ذاکر زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۳۴). از جدایت‌ها و امکانات رفاهی تکیه دولت تهران، دستگاه تولید گازی بود که ناصرالدین شاه برای تأمین نور، از فرانسه خریداری کرده بود (شهری، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۳۱۲ و ۳۱۳). تکیه دولت، مقصد بسیاری از

دسته‌های عزاداری تهران در روز عاشورا بوده (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۱۸) و تولید آن نسل به نسل، در اختیار شاهان قاجار قرار داشت. برنامه‌های این تکیه، به علت جذابیت‌های بصری همچون: ساختمان مرتفع، نمایش جواهرات و نشان‌های سلطنتی، رژه رفتن دسته‌های مختلف نظامی و درباری و اصناف (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۵) و در نهایت، حضور درباریان، خانواده سلطنتی، دیپلمات‌های خارجی و حتی شخص شاه (کارلاسرنا، ۱۳۶۹، ص ۱۶۴؛ بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۴۴۷ و ۴۴۸)، باعث اجتماع قابل توجه مردم در این تکیه بود.

اکثر تکایایی که توسط منتسبان به دولت ساخته شده بود، به‌ویژه تکیه دولت، چنان‌که از نامش نیز مشخص است، نهاد دولت در ایجاد گفتمان مذهبی بوده و قرار نبود دولتمردان را متوجه وظایف خود در قبال مردم نماید. از جمله نشانه‌های این گفتمان‌سازی می‌توان به: خوانده شدن اشعاری در مدح پادشاه،^۱ تعظیم عزاداران در مقابل جایگاه اختصاصی شاه (نجمی، ۱۳۷۰، ص ۲۷۲-۲۷۵) و جمع‌آوری هدایا در شب نهم محرم برای شاه (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۸) اشاره کرد.

تحت تأثیر برنامه‌های تکیه دولت و مراسم جذاب آن، استقبال از این نوع مجالس مذهبی در تهران در عصر قاجار افزایش یافته بود؛ به نحوی که عبدالله مستوفی، تعداد این مجالس در تهران را در دهه اول محرم، بیش از دویست مجلس دانسته است (همان، ص ۴۴۲). در مقابل، حوزه‌های علمیه و حوزویان، با وجود صبغه مذهبی مراسم‌های تکیه دولت، چندان از مراسم برگزار شده در این تکیه استقبال نکرده و کمتر گزارشی از حضور عالمان برجسته تهرانی در تکیه دولت می‌توان یافت. به اعتقاد برخی، تأکید حوزویان بر بی‌آلایشی مناسک مذهبی و عاری بودن از هرگونه بدعت و انحراف و استفاده ابزاری از آیین‌های دینی، علت اصلی ناخرسندی عالمان دینی از این نوع تبلیغات دینی دربار بود (الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۲۵).

ه. حذف واسطه‌ها در انتقال مفاهیم دینی

یکی از آسیب‌های متداول در تبلیغ معارف دینی، تغییر و تبدل‌های غیرکارشناسانه، غیرمسئولانه و مبتنی بر مصلحت‌اندیشی‌های کوتاه‌بینانه است؛ چه اینکه هر تغییری، هرچند اندک در سلسله

۱. «جان به فدای شهدا می‌کنم امروز/ شه ناصر دین را دعا می‌کنم امروز» (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۳۴).

استنباط و استخراج معارف دینی و انتقال آن به مخاطبان، می‌تواند موجب التقاط، انحراف و بدعت در معارف دینی شده و به دلیل جریان داشتن دین در حیات فردی و اجتماعی آحاد جامعه، مخاطرات و لغزش‌های جبران‌ناپذیری را موجب شود.

در دوره قاجار، مردم مجاز به حضور در مجالس و کرسی‌های درسی حوزه‌های علمیه بودند. این موضوع، باعث می‌شد تا هم مردم با شیوه استنباط احکام و توصیه‌های دینی آشنا شده و هم بدون واسطه و دخالت مسیرهای نامطمئن، به معارف دینی دست یابند (محبوبی اردکانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۹۷، ۲۲۴ و ۲۵۰). علاوه بر این، مردم می‌توانستند بدون صرف هزینه زمانی یا اقتصادی، از کتابخانه، منابع، عالمان و کارشناسان دینی و حتی جلسات و مناظرات علمی استفاده کرده، باورهای عرفی خود را راست‌آزمایی نمایند.

و. ارائه محتوای معتبر و مقابله با انحرافات و بدعت‌های دینی (نظارت بر محتوای‌های تبلیغی)

تنوع شکلی و محتوایی پیام‌های دینی باعث می‌شود که ابزارهای متنوعی در ترویج و تبلیغ مورد استفاده قرار گیرد. در این میان، با اذغان به اهمیت تنوع ابزارها و محتواهای تبلیغی، نباید از تأثیر ابزارهای تبلیغی در محتواها غفلت نمود؛ زیرا برخی از قالب‌های تبلیغی، با وجود دارا بودن ظرافت‌های هنری و ادبی، دارای ابعاد قوی‌تر حسی، بصری، سمعی و هیجانی می‌باشند. به کار بستن صناعات مختلف در شعر، گرچه ارزش، عمق و تأثیرگذاری آن را دوچندان می‌کند، اما ممکن است به حدود و ثغور محتوا آسیب وارد نماید.

باورهای دینی به هر میزان که متنوع، فراگیر و پُردامنه باشند، ولی مادامی که مستند به ادله و منابع دینی نبوده و تحت اشراف عالمان دینی نباشد، نه تنها بیانگر کمال جامعه دینی نخواهد بود؛ بلکه در آینده‌ای نه چندان دور، زمینه‌ساز عوام‌گرایی مذهبی، ابتدال، انحراف، بدعت و حتی منازعات مذهبی خواهد گشت.

متقن‌سازی معارف دینی در عرصه تبلیغ، علاوه بر جلوگیری از سوء فهم‌ها و سوء استفاده‌های احتمالی، موجب خواهد شد تا مخاطبان از سطح دریافت‌کننده معارف دینی، به سطح انتقال‌دهنده آن ارتقا یابند؛ به این معنا که خود ادامه‌دهنده زنجیره تبلیغ باشند. این توانایی مخاطبان، به‌ویژه در زمانی که شبهه‌ها و اندیشه‌های التقاطی و غیراصیل دینی در جامعه فرصت بروز و ظهور یافته باشند، از اولویت به ضرورت تبدیل خواهد شد. در این بین، می‌توان تغییر نام

و البته غلبه کاربری برخی از حوزه‌های علمیه را بیانگر شهرت و گستردگی کارکرد علمی این گونه اماکن دانست.^۱

این نوع کارکرد حوزه‌های علمیه، با تمامی کاستی‌های احتمالی، به اندازه‌ای مهم و کارآمد بود که حتی سیاست‌گذاران فرهنگی عصر پهلوی که از مخالفان جدی حوزه و حوزویان به شمار می‌رفتند، در اندک‌زمانی جای خالی حوزه‌های علمیه و حوزویان را چنین مورد تصریح قرار می‌دادند:

خواهش می‌کنم مدارس و تعلیمات اجباری و کلاس اکابر را به رخ زرد من نکشید؛ زیرا آنچه در شش ساله متوسط و حتی سه ساله لیسانس و دو ساله دکترا در مدارس ما گفته و خوانده شود، به قدر حرف‌های یک دهه روضه‌خوانی اواخر عهد مظفرالدین‌شاه هم حاوی مطالب ایمانی و اخلاقی نیست. سبب آن هم معلوم است. امروز در مدارس... برنامه مادیات به قدری زیاد است که وقتی برای گفتن و شنیدن معنویات باقی نیست... گذشته از این، تمام افراد کشور را نمی‌توان دکترا و لیسانسه و باشلیه^۲ بار آورد که از راه دانش، از بدی پرهیزند و به خوبی گرايند. برای توده هم، راهی باید فکر کرد. برای توده باید مجالس پرورش افکار وطنی، یعنی همان روضه‌خوانی را منتها با اصلاحاتی به راه انداخت (مستوفی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۶۷).

مراکزی چون حوزه‌های علمیه، به دلیل حاکمیت ضوابط و پیش شرط‌های شرعی و عرفی برای فعالیت در آنها، به صورت طبیعی کمتر مورد سوء استفاده سوداگران فرهنگی و مذهبی قرار می‌گرفت؛ ضمن اینکه فعالیت طیفی از عالمان دینی از جمله: محققان، مدرّسان، مجتهدان و محصلان در حوزه‌های علمیه، باعث می‌شد تا هرگونه محتوایی، حتی اگر از زبان عالمی مطرح گردد، مورد نقد و بررسی قرار گیرد. اساساً سخنرانی یا هرگونه برنامه تبلیغی در حوزه‌های علمیه، برای خود عالمان و حوزویان نیز کاری سخت بود؛ چه رسد به افرادی که بهره کافی از علم و معرفت دینی نداشته باشند. نمونه این نقش‌آفرینی‌ها، درخواست مستقیم شیخ جعفر شوشتری از

۱. چنان‌که مسجد - مدرسه سپهسالار، پس از چندی، به دانشکده معقول و منقول، و سپس، به مدرسه عالی شهید مطهری تغییر نام یافت (ذاکرزاده، ۱۳۷۴، ص ۱۰۲ و ۲۲۲).

۲. ژان ژاک باشلیه، نقاش فرانسوی که در پاریس متولد شد و در همان شهر درگذشت (۱۷۲۴-۱۸۰۶م). وی عضویت آکادمی فرانسه را نیز یافت. بعضی از آثار او، در موزه لوور نگهداری می‌شود.

ناصرالدین‌شاه (م ۱۳۱۴ق) مبنی بر ممنوعیت برگزاری نمایش عروسی قاسم‌بن‌الحسن علیه السلام بود که با وجود برچیده شدن آن در تکیه دولت، در اکثر تعزیه‌خانه‌های تهران به نمایش درمی‌آمد (الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۲۴). یا در گزارشی دیگر، محمدبن‌سلیمان تنکابنی، از یک مجلس روضه‌خوانی یاد می‌کند که در آن، عالمی به نام آخوند ملاحسن، روضه‌خوانی را به دلیل ذکر داستانی غیرواقعی مورد سرزنش قرار داده و از تکرار مجدد آن بر حذر داشته و استغفار از آن را به وی توصیه کرده بود (تنکابنی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳). حامد الگار، تأکید بر اصالت و اعتبار محتوای تبلیغی در محافل مذهبی را عامل اصلی مخالفت برخی از علما با تعزیه‌خوانی دانسته است (الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۲۵).

طلاب و حوزویان در خارج از فضای حوزه علمیه نیز صیانت از معارف دینی و مقابله با انحرافات و بدعت‌های دینی را دنبال می‌نمودند. از مصادیق این نقش‌آفرینی در تهران عصر قاجار، تعطیل شدن مراسم خرافی پیراهن مراد و حنای مراد^۱ در ۲۷ رمضان در امامزاده زید تهران^۲ است. به نقل از عین‌السلطنه، دلیل برچیده شدن این رسم پرتطرفدار، در امامزاده زید علیه السلام، مخالفت طلاب ساکن در امامزاده و بستن درهای امامزاده تا مغرب روز ۲۷ رمضان بوده است (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۱۶).

ز. صیانت از مراتب معرفتی در تبلیغ آموزه‌های اسلامی

با توجه به اینکه عصر قاجار، عصر تنوع و تعدد نهادها و قالب‌های تبلیغ دینی به شمار می‌رود، نباید از این موضوع غفلت نمود که نقش نهادها و مراکز تبلیغی در تبلیغ معارف اسلامی یکسان نبوده و متأثر از خاستگاه و نوع متولیان و کارگزاران، متفاوت بوده است. برخی مانند سقاخانه‌ها، شکل تبلیغی صامت داشته و برخی مانند تکیه‌ها، حسینیه‌ها و تعزیه‌خانه‌ها، به علت غلبه کارکرد

۱. «در روز بیست‌وهفتم ماه رمضان که روز قتل ابن‌ملجم است، زن‌ها آرایش کرده به مساجد می‌روند که در تهران، بیشتر به مسجد شاه می‌رفتند و با پارچه‌هایی که از قبل تهیه کرده بودند، پیراهن مراد دوخته و معتقد بودند با دوختن و پوشیدن آن، بخت آنها گشوده خواهد شد. برخی هم اعتقاد داشتند که بهتر است پول این پیراهن، از راه گدایی حاصل شده باشد» (ذکرزاده، ۱۳۷۴، ص ۲۸۲).

۲. سومین بقعه زیارتی شهر تهران است که در کنار بازار واقع شده است. نسب امامزاده مدفون در بقعه، به حسن مثنی، فرزند امام حسن مجتبی علیه السلام می‌رسد.

احساسی و نمادین و همچنین، نقش آفرینی معتمدان و سرشناسانی که از سر دل‌بستگی و احساس وظیفه، متولی تبلیغ دینی شده و فاقد تحصیلات دینی بودند، دارای نوع خاصی از تبلیغ دینی بودند؛ تبلیغی که با وجود تجلی عشق و علاقه و دغدغه‌مندی، دچار آسیب‌هایی نیز بود. تکایا و حسینیه‌ها، اغلب در مراسم عزاداری و با هدف ابراز حزن و اندوه در مصایب اهل بیت علیهم‌السلام برپا می‌شدند. در چنین کارکردی، هر گزارش و روایتی صرف نظر از اعتبارسنجی عالمانه و بررسی سایر روایات معارض و رعایت اصول و مبانی عقیدتی، بیشتر با محوریت مباحث تاریخی و با هدف بیان مظلومیت‌ها و مجاهدت اولیای دینی برگزار شده و به تناسب مباحثی در احکام و موعظه‌های دینی نیز مطرح می‌گردید. این در حالی بود که در حوزه‌های علمیه و مساجد، عالمان و مجتهدان بزرگی همچون: ملاعلی کنی (م. ۱۳۰۶ق)، شیخ جعفر شوشتری (م. ۱۳۰۳ق)، شیخ هادی نجم‌آبادی (م. ۱۳۲۰ق)، شیخ عبدالحسین مشهور به شیخ العراقین، میرزا حسن آشتیانی (م. ۱۳۱۹ق)، سید عبدالله بهبهانی (م. ۱۳۲۸ق)، میرزا مسیح طهرانی (م. ۱۲۶۳ق)، سید محمد طباطبایی (م. ۱۳۳۹ق) و بزرگانی از این دست، به امامت و وعظ می‌پرداختند و معارف دینی را مستدل، جامع و بدون افراط و تفریط و بدون خلط و التقاطی، در اختیار مستمعان قرار می‌دادند. هدایت احساسات و شعائر مذهبی به سوی فهم اصول و مبانی دینی، از مهم‌ترین وظایف عالمان و مراجع دینی بود. در این خصوص، گزیده‌ای از سخنان شیخ جعفر شوشتری که در مسجد - مدرسه سپهسالار ایراد شده، به خوبی شاهدی بر این تلاش است:

حضرت پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم یک عزیز داشت و یک عزیزتر از عزیز. عزیز پیامبر، امام حسین بود و عزیزتر از حضرت امام حسین، اسلام بود و به همین جهت، عزیز، فدای عزیزتر شد. اگر تا به حال برای عزیز پیامبر گریه می‌کردید، امشب برای عزیزتر، یعنی اسلام، بگریید (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۸۹).

برتری یافتن فروع دین بر اصول آن، یا تقدم یافتن امامزاده‌ای بر امام یا انبیای الهی، یا هر نوع تبدل و دگرگونی در نظام معرفت دینی، می‌توانست پیامدهای جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد. شاید بتوان رواج خرافات، تکلیف‌گریزی و دینداری موسمی را از دیگر ویژگی‌های دینداری در دوره قاجار دانست. این شرایط نابسامان دینی و معرفتی، معلول ظهور جریان‌ها و متولیان مختلفی بود که در عرصه تبلیغ دینی ظهور یافته بودند؛ متولیبانی که با وجود اختلافات شدید

فکری، روشی و محتوایی، از دید مخاطبان و مردم چندان قابل تمایز نبودند. یک گونه‌شناسی اجمالی متولیان تبلیغ معارف دینی در عصر قاجار، اصناف مختلفی را به نمایش خواهد گذاشت. از مسئله‌گو، پامنبری، مداح، واعظ، روضه‌خوان، مقتل‌خوان، تعزیه‌خوان، پرده‌خوان و شبیه‌گردان،^۱ همگی تلاش داشتند مبتنی بر شناخت و روش خود، به ترسیم حدود و ثغور معارف دینی اقدام نمایند؛ درحالی که توشه برخی از ایشان، جز صدای نیکو یا هنر نمایشی نبود. چنین تنوعی در تصدی تبلیغ دین، در اندک زمانی موجب ظهور گونه‌های مختلف از طبقه متدین شد. در این میان، حوزه‌های علمیه، متکی به دانشی که در دل خود می‌پرورانده و در هر مجلس درسی ابعاد علمی و استدلالی آن بازبینی و تقویت می‌شد، به موضوع تبلیغ دین پرداخته و کمتر دچار آسیب‌های پیش‌گفته می‌شدند؛ به‌گونه‌ای که حوزه‌های علمیه علاوه بر آگاه‌سازی، در مواردی به صورت عملی، به مبارزه با مظاهر خرافه و بدعت در معارف دینی می‌پرداختند (عین‌السلطنه، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۷۱۶).

ح. پرهیز از اکتساب و تفنن در تبلیغات دینی

از دیرباز، تبلیغات دینی در جوامع شیعی، بدون چشم‌داشت‌های مالی بوده و بیش از آنکه به عنوان شغل به آن نگاه شود، به عنوان یک خدمت دینی و فرهنگی به آن نگریسته می‌شده است. مبلغان دینی از هر صنف، از روحانیون و حوزویان گرفته تا مداحان، روضه‌خوانان و حتی پرده‌خوان‌ها، در قبال فعالیت تبلیغی خود چیزی جز تبرعات را متوقع نبوده‌اند. در کنار تبرعات، نذورات و موقوفات نیز نقش مهمی در برگزاری محافل مذهبی و تأمین هزینه‌ها بر عهده داشتند؛ اما این امتیاز، به تدریج دچار چالش‌هایی شد؛ چه اینکه برپایی مجالس مذهبی در دربارها یا مراکز رسمی، ایجادکننده شهرت و فرصت‌هایی بود که کم‌کم برای طیفی از مبلغان، مورد توجه قرار گرفت. اهدای هدایای سلطنتی، تقلید از سبک‌ها، شعرها، نمایش‌ها و... همگی اموری بود

۱. هرکدام از عناوینی که گفته شد، دارای مسئولیت و مهارت متفاوتی است. شبیه‌گردان، به گروهی گفته می‌شود که بدون اینکه شعر یا متنی را قرائت نمایند، در خیابان‌ها و معابر حاضر شده و با استفاده از لباس‌های نمایشی، صحنه اسارت خانواده امام حسین علیه السلام یا به آتش کشیده شدن خیام را بازسازی می‌کنند؛ به خلاف تعزیه که اجراکنندگان آن، در محلّ ثابتی به برپایی نمایش همراه با خواندن رجز و متون نثرگونه، به بازگویی و نمایش حوادث عاشورا می‌پردازند.

که تبلیغات دینی را هرچه بیشتر به فعالیت اقتصادی یا هنری نزدیک می‌کرد. این موضوع، حتی در مواردی، به مباحث و محتواهای تبلیغی نیز سرایت نموده بود؛ چنان‌که غلبه جنبه‌های هنری و نمایشی یا کارکرد تفریحی، موجب شده بود که برخی برنامه‌های تبلیغی مانند تعزیه‌ها، از اهداف اصلی خود باز مانند؛ به‌گونه‌ای که به نقل یکی از خانم‌های درباری، برخی نمایش‌های تعزیه محرم سال ۱۲۹۹ق/۱۸۸۲م را از کمدهای اروپایی نیز خنده‌دارتر دانسته بود (الگار، ۱۳۵۹، ص ۲۲۴). گرچه این موضوع می‌تواند به صورت موردی یا از سر غفلت نسبت به مضمون‌ها رخ داده باشد، اما سایر گزارش‌ها همچون به همراه بردن غذا یا تنقلات توسط مستمعان، از شواهد این کارکرد دانسته خواهد شد.^۱ این، درحالی بود که مجالس مذهبی و تبلیغات برگزارشده در حوزه‌های علمیه، نوعاً از این حواشی به دور بوده و از وزانت خاصی برخوردار بودند؛ چنان‌که در مواردی همچون برگزاری نماز جماعت و جلسه موعظه شیخ جعفر شوشتری در مسجد - مدرسه سپهسالار، مستمعان از ساعت‌ها قبل، در این حوزه علمیه حضور می‌یافتند. بنا به گزارش فقیهی، برخی مجالس وعظ شیخ جعفر شوشتری، دو ساعت به طول انجامیده و یا «به قدری نماز ظهر و عصر شیخ جعفر در مسجد سپهسالار شلوغ می‌شد که جای یک نفر برای ادراک نماز، به یک تومان و دو تومان خرید و فروش می‌شده و برخی از فقراء چنین می‌کردند» (فقیهی، ۱۳۵۰، ص ۲۱۳).

ط. تبلیغ محیطی و تمرین محتوایی در فرایند تبلیغ

معماری اماکن و بناهای مذهبی شهر تهران، در مقایسه با دیگر پایتخت‌های اسلامی همچون استانبول و قاهره، در رتبه پایین‌تری قرار داشت (براون، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸)؛ با وجود این، حوزه‌های علمیه در کنار سایر بناهای مذهبی همچون: مساجد، بقاع امامزادگان و تکایا، محل تجلی و ظهور شاهکارهای ادبی، هنری و معماری بوده‌اند. در چنین محیط‌هایی، مخاطبان خواسته یا ناخواسته در معرض پیام‌ها و محتواهای مادی و معنوی متنوع و تأثیرگذاری قرار می‌گرفتند. در عصر قاجار، سبک معماری همانند برخی دیگر از عناصر فرهنگی، دچار از خودباختگی

۱. «در اینجا هم شربت و چای و غلیان هم می‌فروشد و نسوان هم مانند مردان غلیان می‌کشند» (بنجامین، ۱۳۶۳، ص ۴۴۶).

و اختلاط با عناصر فرا ملی بود. این از خودباختگی، از بناهای سلطنتی و دولتی آغاز شده و به مرور به خانه‌های دولتمردان و سایر مردم سرایت کرده بود (مؤمنی، ۱۳۸۸، ص ۶۰) و حتی در بناهای محدوده ارگ، می‌توان شاهد طاق‌ها، قوس‌ها، ستون‌ها، تزیینات و پوشش بام‌ها مبتنی بر الگوی اروپایی بود (قبادیان، بی‌تا، ص ۱۲۲). در چنین شرایطی، اماکن مذهبی از جمله حوزه‌های علمیه، کمتر دچار این آسیب شده و به صورت نسبی بر شاخصه‌های معماری اسلامی - ایرانی وفادار مانده بودند؛ هرچند اماکن مذهبی نیز به میزان وابستگی‌شان از دولتمردان، تأثیر بیشتری از این دگرگونی فرهنگی را متحمل شده بودند؛ به عنوان نمونه، تکیه دولت گرچه با مصالح بومی ساخته شده و از تزییناتی چون طاق‌نما و کاشی در آن استفاده شده بود، اما کالبد و وجهه کلی بنا، متأثر از آمفی تاترهای اروپایی بود (همان، ص ۱۲۶). شاید بتوان گفت، خاستگاه اروپایی ساختمان تکیه دولت، به مراسم و برنامه‌های آن نیز سرایت کرده بود؛ به طوری که «اجرای مراسم رژه توسط موزیکچیان ملبس به اونیفرم‌های فرنگی و در حال نواختن موسیقی غربی، همانند طرح خود بنا (تکیه دولت)، همجواری سنت و تجدد در یک زمان و مکان را نمایش می‌دهد» (همان، ص ۱۲۶-۱۳۱). مسجد - مدرسه سپهسالار، از دیگر بناهای مذهبی ساخته‌شده در این دوره است که گرچه جسارت پیروی از الگوهای غیراسلامی را نیافته بود، اما مشتمل بر الگوهای معماری اسلامی غیرایرانی بود.

استفاده مسئولانه و عالمانه هنرمندان این دوره از آیات قرآن، احادیث و مضامین دینی در خطاطی‌ها، کاشیکاری‌ها و گچبری‌ها، بر میزان آگاهی‌های دینی و معرفتی خالقان خود گواهی می‌دهند (صدرالسادات، بی‌تا، ص ۱۲۵). البته این کارکرد هنرهای دینی در اماکنی چون حوزه‌های علمیه در کارکردی تبلیغی، حکایتگر قدمت، وسعت و اصالت برخی محتواهای دینی به کاررفته در معماری این اماکن خواهد بود؛ هرچند این تأثیر، از چشم غارتگران میراث فرهنگی به دور نمانده، آنها را بر غارت این میراث تحریص می‌نمود. اروپاییان، در سفرنامه‌های خود، از این یغماگری یاد کرده‌اند:

ما از پایه راست جلوخان این مسجد، کتیبه طویلی را برداشتیم که کلمات آن، با رنگ مینایی سفیدی در زمینه آبی تند جلوه خاصی داشتند... از مسجد خواف هم کتیبه کوچک بسیار زیبایی به دست آوردیم و آن را با نهایت احتیاط و سالم، به پاریس رساندیم (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۴۱۳ -

اماکن مذهبی همچون نمایشگاه و نمودارهایی، تطور معرفتی، اجتماعی، فرهنگی و هنری ایرانیان را به نمایش می‌گذاشتند. هنر به کاررفته در حوزه‌های علمیه، صرف نظر از ظرافت‌های هنری، دارای کارکرد انتقال آموزه‌ها و معارف دینی نیز بوده است. ارتباطی که هم به صورت مستقیم در قالب نصوص، جملات و اشعار نقش بسته بر در و دیوار، و هم به صورت غیرمستقیم در قالب آداب و مناسک و چینش عناصر معماری، تجلی یافته است. وجود عناصری چون: مسجد، مأذنه، منبر، محراب، حجره‌ها، مدرس، حوض، آب‌انبار، صحن، وضوخانه، شبستان‌های متناسب با فصول سال، مسیرهای ورودی از بازار، گذر یا کوچه‌های مختلف به مجموعه، قرائت‌خانه و آشپزخانه، از عناصری بود که مخاطب را به مقاصد مشخص سوق می‌داد؛ مانند: قرینه‌سازی و جهت‌گیری تمامی مجموعه به سوی محراب یا قبله به عنوان تجلی توحید، تحصیل طهارت ظاهری و باطنی برای تحصیل هدایت، فرصت برابر در بهره‌مندی مادی و معنوی، جایگاه امامت در انسجام اجتماعی، ضرورت وجود رهبری امین و عادل در سلوک دینی و دنیوی؛ منبر به معنای مسئولیت عالمان در هدایت جامعه؛ و جوب طهارت مسجد که حاکی از مسئولیت عمومی در مواجهه با ناپاکی‌های اجتماعی است؛ ضرورت طهارت اهل مسجد که حکایتگر رعایت پیش‌شرط‌هایی برای پذیرفته شدن در جامعه اسلامی بود.

در کنار اجزای داخلی، موقعیت قرار گرفتن حوزه‌های علمیه در کالبد شهر نیز مشتمل بر پیام‌ها و کارکردهای تبلیغی بود؛ به طوری که ترکیب مدرسه و مسجد، بیانگر پیوستگی علم و عمل؛ بازار و حوزه علمیه، پیام‌آور پیوستگی دنیا و آخرت؛ و کتابخانه و حوزه علمیه، نشانگر ارتباط علم و دین بود؛ ضمن اینکه در عرصه تحولات اجتماعی نیز حوزه‌های علمیه نقش شفاف و مؤثری را بر عهده داشتند؛ چه اینکه مسجد - مدرسه مروی، سپهسالار قدیم، سپهسالار جدید و خازن‌الملک در حمایت از اقتصاد ملی و اسلامی (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۲۸؛ اعظام قدسی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۲۵ و ۱۲۶)، ضرورت تشکیل مجلس شورای ملی و حمایت از آن (بهزادفر، ۱۳۸۶، ص ۱۸۴)، از مصادیق این نقش‌آفرینی دانسته خواهد شد.

کارکرد تبلیغ محیطی حوزه‌های علمیه، حتی در سطوح خوردتری نیز تجلی یافته بود؛ چه اینکه در موارد متعددی، محتواها و معارف دینی، بر اشیایی همچون: منابر، سنگاب‌ها (سلیمی مؤید، ۱۳۸۱، ص ۸۶)، ظروف و پارچه‌نوشته‌ها که در مناسبت‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گرفتند نیز نقش بسته بود (حسینی بلاغی، ۱۳۸۶، ص ۳۰۱).

نتیجه

حوزه‌ها یا مدارس علمیه، از فعال‌ترین نهادهای اجتماعی در تاریخ معاصر ایران بوده‌اند؛ به طوری که کمتر می‌توان به رخداد بزرگی در این دوره دست یافت که حوزه یا حوزویان در آن نقشی نداشته باشند. این توسعه فعالیت، به آن جهت بود که حوزه و حوزویان، رسالت خود را محدود در پژوهش یا آموزش معارف دینی نکرده و مجموعه‌ای از فعالیت‌های تبلیغی را متکفل بوده‌اند. ایران عصر قاجار، به دلیل مواجهه دفعی و غیرآگاهانه با تمدن غرب و نوخواهی، دچار امواج سهمگین تحولات فکری شده بود؛ تحولاتی که آثار و پیامدهایش در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قابل مشاهده بود. این تحولات، حتی در عرصه باورهای دینی و مذهبی نیز ابعاد وسیعی یافته بود؛ به طوری که از طرف برخی مراکز و نهادهای مذهبی، در مقابل هرگونه تغییر و تحولی مقاومت نموده و بر سنت‌ها و رویه‌ها، هرچند که مشتمل بر خرافه و بدعت باشند، تأکید داشتند.

این نوع از گفتمان دینی که به صورت نسبی از هرگونه تغییر و تحول سیاسی و اجتماعی بی‌زاری می‌جست، به تدریج مورد حمایت دولتمردان نیز قرار گرفت و توسعه کمی قابل توجهی یافت؛ حتی پادشاهانی چون ناصرالدین شاه، شخصاً کانون‌هایی چون تکیه دولت را برای حمایت مادی و معنوی از این گفتمان دینی تأسیس نمود. در مقابل، تحول‌خواهی عمومی در کنار افراط برخی نخبگان در غرب‌زدگی و روشنفکری، باعث شده بود تا طیفی از منتقدان و تردیدکنندگان در سنت‌های رایج شکل بگیرند؛ طیفی که در ادوار بعدی توانست فرصت‌های متعدد سیاسی و اجتماعی را به دست آورده و برای چندین دهه، بر اریکه نظام سیاسی ایران تکیه زند. در این میان، حوزه‌های علمیه به دنبال ارائه محتوایی دقیق، عالمانه و مسئولانه از معارف دینی بودند؛ گفتمانی که در کشاکش دو طیف پیش‌گفته، هم در برابر مطالبات و نیازهای آحاد جامعه و هم در مواجهه با هویت‌ها و اصالت‌های فرهنگی، ابراز وفاداری نموده و تلاش داشت معارف دینی را در سازوکار تبلیغی روشمندی منتشر سازد؛ سازوکاری که مبتنی بر استقلال و عدم وابستگی به ارکان قدرت، پرهیز از اکتساب و تفنن در معارف دینی، تبلیغ چندوجهی و محیطی، صیانت از مراتب معرفتی، حذف واسطه و برقراری روابط سهل و بی‌واسطه با منابع دینی، توسعه ابزارهای تبلیغی، توجه به نیازها و مطالبات روز و نظارت بر محتواهای تبلیغی رایج

در جامعه بود.

به‌هرروی، حوزه‌های علمیه با وجود تحولات پُرهیمنه‌ای چون: مشروطه‌خواهی، انقراض قاجار و بنیان‌گذاری سلسله پهلوی و نیز سکولاریزه کردن جامعه، توانست با تکیه بر محتوای جامع و معتبر تبلیغی و ابزارهای کارآمد، معارف دینی را از کنج عزلت جوامع خارج ساخته، آن را به عنصری فعال در تمامی عرصه‌های حیات مادی و معنوی تبدیل نماید؛ به‌گونه‌ای که شاید بتوان اساس اندیشه انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل مترقی ولایت فقیه را از بارزترین ثمرات تبلیغ معارف اسلامی توسط حوزه‌های علمیه در ادوار گذشته دانست.

منابع

الف. کتاب

۱. اعتماد السلطنه، محمدحسن‌خان، ۱۳۵۷، صدر التواریخ، محقق: محمد مشیری، چاپ دوم، تهران، روزبهان.
۲. اعظام قدسی، حسن، ۱۳۷۹، خاطرات من یا تاریخ صدساله ایران، تهران، کارنگ.
۳. الگار، حامد، ۱۳۵۹، نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت، ترجمه: ابوالقاسم سری، چاپ دوم، تهران، توس.
۴. الویری، محسن، ۱۳۸۸، «مساجد الگوی جامعه دینی»، دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، مجموعه مقالات همایش توسعه محله‌ای (مساجد و محلات)، تهران، طرح نو.
۵. اولیویه، آنتوان گیوم، ۱۳۷۱ش، سفرنامه اولیویه، ترجمه: محمدطاهر میرزا، محقق: غلامرضا وره‌رام، تهران، اطلاعات.
۶. براون، ادوارد گرانویل، ۱۳۸۱، یک سال در میان ایرانیان، مترجم: مانی صالحی علامه، تهران، ماه ریز.
۷. بنجامین، ساموئل گرین ویلر، ۱۳۶۳، ایران و ایرانیان، تهران، گلبانگ.
۸. بلوشر، وپیرت، ۱۳۶۹، سفرنامه بلوشر، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران، خوارزمی.
۹. بهزادفر، مصطفی، ۱۳۸۶، هویت شهر؛ نگاهی به هویت شهر تهران، تهران، شهر.
۱۰. تنکابنی، محمدبن سلیمان، ۱۳۸۳، قصص العلماء، تهران، علمی و فرهنگی.
۱۱. جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴، تاریخ نو، محقق: عباس اقبال، تهران، علم.
۱۲. حسام مظاهری، محسن، ۱۳۸۷، رسانه شیعه؛ جامعه‌شناسی آئین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.

۱۳. حسینی بلاغی، سید حجت، ۱۳۸۶، گزیده تاریخ تهران، تهران، مازیار.
۱۴. ذاکرزاده، امیرحسین، ۱۳۷۴، سرگذشت طهران، تهران، قلم.
۱۵. رونه دالمانی، هانری، ۱۳۳۵، سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ترجمه: محمدعلی فره‌وشی، تهران، امیرکبیر.
۱۶. سپهر، عبدالحسین‌خان، ۱۳۸۶، مرآت الوقایع مظفری، محقق: عبدالحسین نوایی، تهران، میراث مکتوب.
۱۷. سلیمی مؤید، سلیم، ۱۳۸۱، سیمای میراث فرهنگی تهران، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
۱۸. سیفی فمی تفرشی، مرتضی، ۱۳۶۹، تهران در آئینه زمان، تهران، اقبال.
۱۹. شهری، جعفر، ۱۳۶۹، تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، چاپ دوم، تهران، رسا.
۲۰. شهیدی مازندرانی، (بیژن) حسین، ۱۳۸۳، سرگذشت، تهران، دنیا.
۲۱. عین‌السلطنه، قهرمان‌میرزا سالور، ۱۳۷۴، روزنامه خاطرات عین‌السلطنه، محقق: مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر.
۲۲. فقیهی، علی‌اصغر، ۱۳۵۰، تاریخ مذهبی؛ بخش اول از تاریخ جامع قم، قم، حکمت.
۲۳. قبادیان، وحید، معماری در دارالخلافه ناصری، سنت و تجدد در معماری معاصر تهران.
۲۴. کارلاسرنا، ۱۳۶۲، سفرنامه مادام کارلاسرنا؛ آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه: علی‌اصغر سعیدی، بی‌جا، زوار.
۲۵. محبوبی اردکانی، حسین، ۱۳۷۴، چهل سال تاریخ ایران، محقق: ایرج افشار، چاپ دوم، تهران، اساطیر.
۲۶. مستوفی، عبدالله، ۱۳۸۶، شرح زندگانی من، تهران، هرمس.
۲۷. مؤمنی، مصطفی؛ نصر، سید حسین و دیگران، ۱۳۸۸، تهران؛ جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، تهران، کتاب مرجع.
۲۸. معتمدی کاشانی، سید حسین، ۱۳۷۹، عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علماء و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان؛ تحقیقی و تاریخی، قم، عصر ظهور.
۲۹. میرخواند، ۱۳۸۰، تاریخ روضة الصفا فی سیره الانبیاء، تهران، اساطیر.
۳۰. ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، تاریخ بیداری ایرانیان، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر.
۳۱. نجمی، ناصر، ۱۳۷۰، طهران عهد ناصری، چاپ سوم، تهران، انتشارات عطار.

۳۲. یغمایی، اقبال، ۲۵۳۷، شهید آزادی؛ سید جمال واعظ اصفهانی، محقق: اقبال یغمایی، تهران، توس.

ب. مقالات

۳۳. الویری، محسن و حامد قرآتی، ۱۳۹۲، «بررسی تاریخی کارکرد ارتباطی هنر در اماکن مذهبی عصر قاجار»، مجله مطالعات تاریخی، ش ۱۷: ۱-۲۰.
۳۴. بیگلربیگی قاجاریه، مونا، ۱۳۸۶، «مسجد - مدرسه فیلسوف الدوله»، مجله پیام باستان‌شناسی، ش ۷: ۱۱۹-۱۴۸.
۳۵. سلطان‌زاده، حسین، ۱۳۷۸، «مسجد مدرسه‌های تهران»، مجله وقف میراث جاویدان، ش ۲۸: ۵۳-۶۴.
۳۶. سلطان‌زاده، حسین؛ خطیبی، سید محمدرضا؛ فعلی، شیمای؛ سلطان‌زاده، علیرضا، تابستان ۱۳۹۷، «چگونگی استقرار مدارس علمیه در شهرهای تاریخی دوره اسلامی (مطالعه موردی: شهرهای قزوین و اصفهان)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۵۰، ش ۱۰۴.
۳۷. سید کباری، سید علیرضا، تابستان ۱۳۸۲، «پیشینه دانش‌های اسلامی در حوزه‌های علمیه»، پیام حوزه، ش ۳۸.
۳۸. سیف، عبدالرضا، بهار ۱۳۸۲، «نقش علماء در پیدایش ادب جهادی (جنگ‌های ایران و روس، دوره قاجار)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۱۶۵: ۸۰-۸۹.
۳۹. شیخ‌الحکمایی، بهار ۱۳۸۱، «عمادالدین، مسجد - مدرسه معمارباشی تهران»، وقف میراث جاویدان، ش ۳۷.
۴۰. صدرالسادات، مهران، بی‌تا، «تعزیه در هنر نقاشی عامیانه»، مجله مشکوة، ش ۷۶: ۱۲۲-۱۳۱.
۴۱. ضرغانی، اسماعیل، ۱۳۸۵، «مسجد و مدرسه معیرالممالک»، مجله اثر، ش ۴۱ و ۴۰: ۵۹-۸۰.
۴۲. قرآتی، حامد، ۱۳۹۲، «نقش اماکن مذهبی تهران در تقویت گفتمان مقاومت و پایداری در دوره قاجار»، مجله مطالعات تاریخی، ش ۴۱: ۱۱۴-۱۳۱.
۴۳. نیستانی، جواد؛ اکبری، زینب؛ کزازی، ماندان، ۱۳۹۰، «معماری و تزیینات مسجد - مدرسه سپهسالار قدیم»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، ش ۵: ۱۷۷-۲۰۶.
۴۴. هوشیاری، محمدمهدی؛ پورنادری، حسین؛ فرشته‌نژاد، سید مرتضی، ۱۳۹۲، «گونه‌شناسی مسجد - مدرسه در معماری اسلامی ایران»، مجله مطالعات معماری ایران، ش ۳: ۳۷-۵۴.

ج. پایان‌نامه

۴۵. اسماعیلی، محبوبه، ۱۳۹۵، «مناسبات دربار قاجار با حوزه علمیه نجف»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی، کارشناسی ارشد.
۴۶. زینلی، بهمن، ۱۳۹۹، «جریان‌های فکری حوزه علمیه اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار (۱۱۳۵-۱۲۱۰ق)»، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کارشناسی ارشد.
۴۷. شادپور، حسن، ۱۳۹۸، «نقش حوزه سامراء در تحولات سیاسی ایران عصر قاجار»، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود، دانشکده علوم انسانی، کارشناسی ارشد.
۴۸. کاظم‌زاده، هادی، ۱۳۹۲، «نقش حوزه علمیه اصفهان در تحول علوم در عصر صفوی»، دانشگاه معارف قم، دانشکده تاریخ و تمدن اسلام، کارشناسی ارشد.
۴۹. کرمی، محمدتقی، ۱۴۰۰، «روحانیت و ملیت؛ مواجهه علمای شیعه با مفهومی پدید آمده ملیت از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی»، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی، دکترای تخصصی.